

نقد ادله موافقین و مخالفین ازدواج موقت با بیگانگان

(تاریخ دریافت ۱۴۰۳/۰۱/۱۷، تاریخ تصویب ۱۴۰۳/۰۳/۲۰)

دکتر جهانبخش غدیری^۱

استادیار حقوق خصوصی، واحد خرم آباد، دانشگاه آزاد اسلامی، خرم آباد، ایران

الهام نجفی

دانشجو دکتری حقوق خصوصی، واحد خرم آباد، دانشگاه آزاد اسلامی، خرم آباد، ایران

چکیده

فلسفه تشریع نکاح موقت با دائم متفاوت بوده و شارع حکیم به مقتضای طبیعت انسان و با توجه به خصیصه‌هایی که در نهاد بشریت به ودیعه نهاده است، به تبیین احکام این قسم از نکاح پرداخته است. این نوع ازدواج، از پرچالشترین مباحثی است که در فرهنگ جامعه ایرانی مطرح بوده و همواره با مسائل زیادی از قبیل جهات تاریخی، فرهنگی، حقوقی و... مواجه است. یکی از این مسائل که مورد پژوهش قرار می‌گیرد، نکاح منقطع مرد مسلمان با زنان بیگانه اهل کتاب و غیر آن است که مورد اختلاف شدید فقهای متقدم و متأخر است. قانونگذار ایران نیز به پیروی از فقه در ماده ۱۰۵۹ قانون مدنی، صرفاً حکم نکاح مسلمة با غیر مسلمة را جایز ندانسته و در خصوص نکاح منقطع مردان با زنان بیگانه مسکوت است. شرط کفایت (تساوی در دین) زوجین موقت در فقه امامیه، از بحث برانگیزترین موضوعات میان فقهاء در این مکتب است که در نوشتار حاضر در پژوهشی توصیفی-تحلیلی، با برشمردن اقوال و دیدگاه‌های علمای امامیه در موضوع مذکور، چنین به نظر می‌رسد، کفایت در دین شرط تجویز نکاح منقطع مرد مسلمان با زن اهل کتاب نیست. مع الوصف پژوهش مذکور، هر یک از اقوال را با نگرشی انتقادی به چالش کشیده و پیشنهاداتی در این باب ارائه نموده است.

واژگان کلیدی: نکاح منقطع، فقه امامیه، کفایت، بیگانگان، اهل کتاب

^۱ نویسنده مسئول (jghadiri1349@yahoo.com)

مقدمه

مطالعات سیر جامعه‌شناسی حکایت از آن دارد که نکاح در دوران جاهلیت، اقسام مختلفی داشته است، «نکاح الاستبضاع»^۱، «نکاح الرّهط»^۲، «نکاح البدل»^۳، «نکاح المقت»^۴، «نکاح الجمع»^۵، «نکاح الخدن»^۶، «نکاح الشغار»^۷، «نکاح السفاح» و «زواج المتعه» (حسینی، ۱۳۹۲، ۱۱-۱۹). زواج المتعه یا ازدواج موقت ازدواجی است که مردی با زنی برای مدت معین ازدواج کرده باشد و نکاح دائم آن است که محدود به زمان معینی نباشد (علامه حلی، بی‌تا، ۲۶/۲، کرکی، ۱۴۱۳، ۱۹).

ازدواج موقت با وجود ریشه‌های تاریخی، مشروعیت شرعی، عرفی و بدون مانع بودن آن (از منظر فقه شیعه و قانون)، همچنان از پرچالشترین و بحث برانگیزترین مسائلی است که در اجتماع و فرهنگ ما مطرح است و مخالفان و موافقان در حوزه ازدواج مردان مسلمان با زنان اجنبی عقیده‌های متفاوتی دارند.

از مهمترین دلایل تصریح و ترویج ازدواج موقت توسط برخی از علماء و حقوقدانان میان مسلمانان خصوصاً شیعیان، ناشی از عدم استقبال یا دست کم بی تفاوتی گسترده مردم نسبت به این موضوع و ضعف در پذیرش عرفی و جامعه‌پذیری ازدواج موقت در میان مردم است. بنابراین با این نگاه که ازدواج موقت از پشتوانه فقهی بسیار قوی برخوردار است اما به دلیل عدم اقبال و نگاه سلبی اکثریت جامعه نسبت به آن هنوز در جامعه و فرهنگ ایرانی به یک هنجار و ارزش اجتماعی نهادینه نشده است که متأسفانه همین نگاه منفی، در نکاح با زنان بیگانه نیز تسری یافته است. مع الوصف نکاح موقت با زنان بیگانه

^۱ در استبضاع، مردی همسر خود را در اختیار مردی که شجاعت، قدرت و یا صفت پسندیده دیگری داشت قرار می‌داد و تا وقتی که همسرش از آن مرد باردار نمی‌شد، از او کناره‌گیری می‌کرد.

^۲ نکاح رهط یا ازدواج رهط یک نوع از چند شوهری در زمان جاهلیت بوده است.

^۳ یک نوع نکاح در ایام جاهلیت به معنای همسر را باهم معاوضه کردن است.

^۴ یک نوع نکاح در ایام جاهلیت با زن پدر یا نامادری

^۵ یعنی یک زن چند تا شوهر داشته باشد.

^۶ خدن یعنی دوست، هر کس برای فحشاء دوستی انتخاب کند.

^۷ یک نوع نکاح در زمان جاهلیت است که ولی دختران هر یک از دختران را، مهر دیگری قرار دهند.

مانند اهل کتاب و ... در داخل و خارج کشور از چالش‌های این نوع نکاح محسوب می‌گردد که جامعه به همان میزان که، انزجار و تنفر نسبت به ازواج موقت با زنان مسلمان واکنش نشان داده، نسبت به نکاح موقت با زنان بیگانه این رویکرد را دارد. مانند جایی که شخص متشرع و یا دیپلمات ایرانی و ... در خارج از کشور اقدام به این نوع ازواج نماید، مشکلات بسیاری در پی خواهد داشت و کشور میزبان ممکن است سوءاستفاده و بهره‌برداری لازم را از موضوع نماید.

مع الوصف این نوع نکاح نظر به قدمت تاریخی آن در ادوار مختلف، با مسایل فرهنگی، اجتماعی و حقوقی روبرو بوده است که با توجه به پیشرفت چشمگیر نظام‌های قضائی امروز، متأسفانه حالت قهقرائی و رو به عقب داشته است. این در حالی است، بعضاً کشورهای غربی زندگی مشترک بدون ازدواج را سروسامان داده و ضابطه‌مند نموده اما در کشور ما بعد از گذشت سالیان، قوانین خاص این نوع نکاح مانند مدنی، حمایت خانواده و ... با توجه به مقتضیات زمان و مکان، اصلاحات جدی در جهت رفع معضلات فرهنگی، اجتماعی و رعایت حقوق زوجین این نوع نکاح صورت نگرفته است. موضوع مورد پژوهش تابحال فاقد انجام تحقیقات به این شکل بوده و بعضاً فقها و حقوقدانان بدون ورود در محتوا صرفاً به بیان حکم اکتفاء نموده‌اند. مهمترین هدف و ضرورتی که نگارش پژوهش حاضر را ایجاب نموده است، ضمن بررسی و نقد اقوال فقهای امامیه، دیدگاه حقوقدانان و نظرگاه حقوق ایران در خصوص ازدواج مرد مسلمان با زنان غیر مسلمان در این نوع نکاح می‌باشد. جهت بررسی موضوع، محقق در پی پاسخ به این پرسش است که آیا کفایت (تساوی در دین) در نکاح متقطع مرد مسلمان با زن غیر مسلمان شرط است یا نه؟

بخش اول: معناشناسی متعه

متعه در لغت به معنای بهره‌برداری کردن از چیزی است (ابن منظور، ۱۴۱۴ق، ۳/۲۳۹؛ فراهیدی، ۱۴۱۰، ۸۳/۲). انتفاع قلیل و موقت از چیزی (زییدی، ۱۴۱۴، ۱۱/۴۴۹؛ قریشی، ۱۳۷۱، ۶/۲۶۲). هر چیزی که افاده استمتاع و التذاذ کند متعه گفته می‌شود (طریحی،

۱۴۱۶، ۳۹۰/۴؛ مشکینی، ۱۴۱۸، ۱۶۷). در اصطلاح و در کلمات فقیهان از ازدواجی که دارای مدت معین و مشخص باشد تعبیر به نکاح متعه می‌شود (عاملی، ۱۴۱۳، ۱۹۱؛ انصاری، ۱۴۱۵، ۲۷؛ روحانی، ۱۴۱۲، ۱۰/۲۱). این نوع عقد از اختصاصات مذهب شیعه است، ازدواج با مهری معین صورت گرفته و با سرآمدن وقت تعیین شده، طرفین بدون نیاز به جاری کردن صیغه طلاق جدا می‌شوند (هاشمی شاهرودی، ۱۴۲۶، ۳۷۳/۱؛ ابوجیب، ۱۴۰۸، ۳۶۱).

بند اول: پیشینه نکاح موقت

ازدواج موقت از جمله نهادهایی است که قبل از اسلام در میان اعراب وجود داشته و شریعت مقدس اسلام با اصلاحاتی آن را امضا نموده است (بیگدلی، ۱۳۸۹، ۱۶). علمای امامیه و اهل سنت اتفاق نظر دارند که نکاح موقت در صدر اسلام جایز بوده و تا آخرین لحظات عمر شریف پیامبر (ص) نیز مشروع بوده است (ابن کثیر، ۱۴۱۵ ق، ۴۷۵؛ علامه حلی، بی‌تا، ۲۶/۲). لکن امامیه اجماع در جواز و تداوم نکاح موقت داشته ولی اهل سنت قائل به ممنوعیت آن در دوره‌های بعدی گشته‌اند (مغنیه، ۱۴۲۴، ۲۹۵/۲؛ طبرسی، ۱۳۷۲، ۵۲/۳). بنابراین با توجه به اختلاف موجود، قانون مدنی جمهوری اسلامی ایران در ماده ۱۰۷۵ نکاح موقت را به رسمیت شناخته است اما در سایر کشورهای اسلامی این قسم از نکاح وجود ندارد؛ زیرا آن را خلاف نظم عمومی و اخلاق حسنه می‌دانند؛ اما در عین حال در برخی از همان کشورها زندگی مشترک بدون ازدواج وجود دارد (صفایی، ۱۳۸۵، ۱۵).

بند دوم: معنا شناسی کفائت

واژه لغوی الکفاءة به معنای مماثلت و مقاربه است و مقصود در نکاح و رتبه است و شرعاً در سه معنی بکار رفته است ۱- الدین: أي التمدین. ۲- الحال: أي السلامة من العیوب الموجبة للرد لا بمعنی الحسب و النسب. ۳- الحریة: علی الصحیح (عبد الرحمان، ۱۴۲۰، ۱۴۸/۳). شهید ثانی مقرر فرموده است که الکفاءة- بالفتح و المد- مصدر بمعنی المماثل و به معنای نظیر و مانند بودن است (شهید ثانی، ۱۴۱۳ ق، ۴۰۰/۷). میان عامه و خاصه در مصادیق کفائت اختلاف نظر است که شافعیه، حنفیه و حنابله قائلند، کفائت در اسلام،

حریت، حرفه و نسب می‌باشد. ولی مکتب امامیه کفایت را صرفاً در دین می‌دانند (مغنیه، ۱۳۸۸، ۳۲۶). در اصطلاح غرض از کفایت همان تساوی زوجین در اسلام است که صاحب جواهر ادعای اجماع محصل و منقول در مسئله نموده است (نجفی، ۳۰، ۱۴۰۴/۹۲). شیخ مفید قائل است که مقصود از تکافو زوجین در اسلام و احراز است اگرچه آن‌ها در انساب و شرف نسبت به یکدیگر برتری داشته باشند (مفید بغدادی، ۱۴۱۳، ۵۱۲). در منابع فقهی و به تبع حقوقی نیز هم کفو بودن زوجین را شرط صحت نکاح دانسته و فقهای امامیه کفر زوج را از موانع نکاح زن مسلمان با بیگانه می‌دانند (شهید ثانی، ۱۴۱۳، ۵/۲۳۴). همچنین قانون مدنی نیز در ماده ۱۰۵۹ تساوی در دین زوج را از فقه پیروی نموده و به طور عام، نکاح زنان مسلمان «اعم از دائم و موقت» با سایر ادیان را حرام دانسته است و نسبت به حالت عکس، یعنی ازدواج مرد مسلمان با زن غیر مسلمان ساکت است.

آنچه در مقاله پیش رو مورد بررسی قرار می‌گیرد، ازدواج مردان مسلمان با زنان بیگانه به صورت موقت مانند اهل کتاب «یهود، مسیح و ... و غیر کتاب مانند بت پرست، ماه پرست و ... است که میان فقهاء اختلاف نظر وجود دارد که نظریات و اقوال آن‌ها در مسئله مذکور به شرح ذیل بیان می‌گردد.

بخش دوم: اقوال در مسئله

با بررسی آثار و کتب فقهی می‌توان سه نظریه را مشاهده نمود: نظریه اول: قائلین به جواز نکاح موقت با کتابیه مطلقاً «حالت اختیار و اضطرار»؛ نظریه دوم: قائلین به حرمت مطلقاً و نظریه سوم: قائلین به تفصیل، که در ذیل به شرح اقوال، ادله و نقد آن‌ها پرداخته خواهد شد:

بند اول: قول موافقین مطلقاً

قائلین به این قول هم کفو بودن زوجین را در نکاح موقت شرط نمی‌دانند و نکاح مردان مسلمان را با زنان بیگانه مانند اهل کتاب را مطلقاً و حتی زنان نواصب را جایز میدانند (طوسی، ۱۴۰۸ ق، ۹۰، حائری، ۱۴۲۴، ۱۱/۲۶۴). همچنین علمای عامه با این تفاوت که، نکاح دائم با اهل کتاب «صرفاً یهود و نصرانی» را جایز دانسته و در مسئله اجماع دارند

(ابن قیم، بی تا، ۳۸۱/۲، مغنیه، ۱۳۸۸، ۳۱۴). در ذیل به دلایل و نقد این دسته از اقوال خواهیم پرداخت.

الف) آیات: اولین ادله قائلین به این قول تمسک به آیات مختلفی از کتاب خداوند است «وَلَا تَنْكِحُوا الْمُشْرِكَاتِ حَتَّى يُؤْمِنَ» (بقره/۲۱) استناد به این آیه بدین نحو است که اهل کتاب مانند یهود و ... از مشرکین استثناء شده‌اند، آیه «الْيَوْمَ أَحْلَلَّ لَكُمْ الطَّيِّبَاتُ ... وَ الْمُحْصَنَاتُ مِنَ الْمُؤْمِنَاتِ وَ الْمُحْصَنَاتُ مِنَ الَّذِينَ أَوْتُوا الْكِتَابَ مِنْ قَبْلِكُمْ» (مائده/۵) این آیه ناسخ سائر آیات ناهیه است چون سوره مائده آخرین سوره است که بر پیامبر نازل شده است و ازدواج با اهل کتاب استثناء شده است. همچنین آیه «إِلَّا عَلَى أَزْوَاجِهِمْ أَوْ مَا مَلَكَتْ أَيْمَانُهُمْ» (مومنون/۵) استدلال به آیه بدین نحو است که زوج مسلمان ازدواج نمی‌کند مگر با زن مسلمان و اهل کتاب مانند یهود، مسیح و...، قائلین، به استناد آیات مذکور بیان می‌دارند که ازدواج موقت با اهل کتاب جایز است و اشکال ندارد (نجفی، ۱۴۰۴، ۲۸/۳۰، شیرازی، ۱۴۲۴، ۳۴/۵، سبحانی، بی تا، ۵۸/۲).

ب) روایات: مهمترین ادله موافقین روایاتی است که بعضی از آنها به صراحت دلالت بر جواز نکاح متعه با اهل کتاب دارند که در ذیل عبارت روایات را می‌نگاریم.

۱- خبر ابی مریم الأنصاری عن ابی جعفر علیه السلام «سألته عن طعام أهل الكتاب و نکاحهم حلال هو؟ فقال: نعم قد كانت تحت طلحة يهودية» (عاملی، ۱۴۰۹، ۵۴۰/۵۴۰).

۲- صحیح محمد بن مسلم عنه علیه السلام أيضا «سألته عن نکاح اليهودية و النصرانية، فقال: لا بأس به، أما علمت أنه كان تحت طلحة بن عبد الله يهودية على عهد النبي صلى الله عليه و آله و سلم؟». و (منها) خصوص ما جاء في المتعة (عاملی، ۱۴۰۹، ۵۴۰/۲۰).

۳- مرسل ابن فضال عن ابی عبد الله علیه السلام قال «لا بأس أن يتمتع الرجل باليهودية و النصرانية و عنده حرة» (عاملی، ۱۴۰۹، ۵۴۰/۲۰).

۴- خبر زرارة «سمعت عليه السلام يقول: لا بأس أن يتزوج اليهودية و النصرانية، فقال: لا بأس به یعنی متعه» (عاملی، ۱۴۰۹، ۵۴۰/۲۰).

۵- خبر الأشعری « سألته عليه السلام عن الرجل يتمتع من اليهودية و النصرانية، فقال: لا أرى بذلك بأساً » (عاملی، ۱۴۰۹، ۲۰/۵۴۰).

۶- و عنه عن محمد بن سنان عن الرضا عليه السلام قال: «سألته عن نکاح اليهودية و النصرانية فقال: لا بأس، فقلت: فمجوسية؟ فقال: لا بأس به یعنی متعه» (عاملی، ۱۴۰۹، ۳۸/۲۱).

اشکال و نقد روایات:

اولاً، حدیث اشعری صراحت در مطلب دارد ولی مورد خدشه است چون مضمهره است، و مخبر عنه با ضمیر غائب مشخص شده است.

ثانیاً، روایات اول، دوم و سوم استنادی موافقین به طور عام و شامل نکاح دائم نیز می شوند، پس صراحت در نکاح منقطع ندارند و نمی توان آنها را بر موقت حمل کرد.

ثالثاً، قسمت اول روایت ششم عام است و شامل نکاح دائم نیز می گردد و فقط نکاح مجوس را به صورت متعه سوال نموده، پس می توان استنباط کرد که نکاح مجوس به صورت موقت جایز است .

رابعاً، حدیث ابن فضال مرسل است، چون همه یا برخی از راویان آن از سلسله سند حذف و اتصال اسناد آن به معصوم (ع) قطع شده که خود خدشه ای بر حدیث استنادی است.

سادساً، بعضی اخبار مذکور را به سبب عامه حمل بر تقیه می نمایند (سبحانی، بی تا، ۴۶۱/۲).

از مطالب پیش گفته چنین نتیجه می شود، مشهور علماء به روایات مذکور عمل و فتوی به جواز نکاح موقت داده و همچنین روایات مخالفین توان معارضه با آنها را ندارند. در نهایت با توجه به کلمات «لا اری و لا باس» در متن روایات استنادی در ازدواج موقت با اهل کتاب حمل بر کراهت می گردند. لذا این روایات منشاء فتوی کثیری از علمای امامیه بر جواز نکاح موقت با اهل کتاب گردیده است که در نکاح با اهل کتاب کفایت شرط نیست و بر این مبنا فتوی به حلیت این نوع نکاح با زنان اهل کتاب داده اند.

ج) اجماع: شیخ طوسی در کتاب خلاف ادعا نموده است که جمیع فقهاء اتفاق دارند که ازدواج با اهل کتاب جایز است (طوسی، ۱۴۰۷، ۳۱۱/۴).
نقد و اشکال:

این ادعا مربوط به اهل سنت است که قائلند ازدواج دائم با اهل کتاب جایز است (مغنیه، ۱۳۸۸، ۳۱۴). در مکتب امامیه در ازدواج موقت با اهل کتاب اختلاف نظر وجود دارد. و فقهایمانند سید مرتضی، صدوق و.... قائل به حرمت می‌باشند که در شرح آتی به نظرات آنان خواهیم پرداخت.

بند دوم: قول مخالفین مطلقاً

شیخ مفید، شیخ صدوق و سید مرتضی بر این عقیده اند که هم کفو بودن در دین در نکاح موقت شرط است، و نکاح مردان مسلمان را با زنان بیگانه مانند اهل کتاب را مطلقاً (به صورت موقت و دائم) جایز نمی‌دانند (مفید، ۱۴۱۳، ۵۰۰، صدوق، ۱۴۱۵، ۱۱۳، سید مرتضی، ۱۴۱۵، ۲۷۹).

الف) آیات: اولین مستند قائلین به حرمت، آیات است. قوله تعالی «وَلَا تَنْكِحُوا الْمُشْرِكَاتِ حَتَّىٰ يُؤْمِنَ» (بقره/۱۲۱)، و قوله تعالی «وَلَا تُمَسِّكُوا بِعَصَمِ الْكَوَافِرِ» (ممتحنه/۱۰)، و قوله تعالی «لَا يَسْتَوِي أَصْحَابُ النَّارِ وَأَصْحَابُ الْجَنَّةِ» (حشر/۲۰)، قوله تعالی «وَالْمُحْصَنَاتُ مِنَ الْمُؤْمِنَاتِ وَالْمُحْصَنَاتُ مِنَ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ مِنْ قَبْلِكُمْ» (مائده/۵) (شریف، ۱۴۱۵، ۲۷۹).

نقد و اشکال:

اولاً، سوره مائده، آخرین سوره‌ای است که بر پیامبر (ص) نازل گردیده است، پس آیه «۵» این سوره، ناسخ آیات ناهیه بر حرمت نکاح متعه است.
ثانیاً، واضح است که آیه «۱۲۱» بقره با آیه مائده مذکور تخصیص خورده است یعنی اهل کتاب مانند یهود و نصاری و... را از بین مشرکین استثناء نموده است.
ثالثاً، آیات استنادی مخالفین، مشمول نکاح دائم است، چون روایاتی وجود دارند که به صراحت دلالت دارند که نکاح متعه با اهل کتاب جایز است.

رابعاً، علامه حلی در مختلف الشیعه قائل است که آیات مذکور عام است و به وسیله اجماع تخصیص خورده‌اند و نکاح موقت مشمول آیات مذکور نیست (حلی، ۱۴۱۳، ۲۳۰/۷).

ب) اجماع: بعضی مانند سید مرتضی ادعای اجماع نموده، مبنی بر اینکه که نکاح با اهل کتاب جایز نیست (سید مرتضی، ۱۴۱۵، ۲۷۹).

نقد و اشکال:

مشهور فقهای امامیه از متقدمین تا متاخرین، قائل به جواز نکاح متعه با اهل کتاب می‌باشند، پس بر اجماع ادعائی سید خدشه وارد است و نمی‌توان به آن تمسک کرد زیرا مخالف دارد.

پ) روایات: قائلین به حرمت به روایاتی تمسک جسته که دال بر عدم جواز نکاح موقت با اهل کتاب دارند و کفایت (هم کفو بودن و تساوی در دین) را در نکاح موقت همانند دائم شرط می‌دانند، چند نمونه از آنها را در ذیل می‌آوریم.

۱. «سالت الرضا (ع) ایتمتع من اليهودیه و النصرانیه فقال یتمتع من الحره المومنه احب الی و هی اعظم حرمه منهما» (عاملی، ۲۱، ۳۸/۱۴۰۹).

۲. «لَا تَزَوِّجُوا الْيَهُودِيَّةَ وَلَا النَّصْرَانِيَّةَ - عَلَى حُرَّةٍ مُتَّعَةٍ وَغَيْرِ مُتَّعَةٍ» (عاملی، ۱۴۰۹، ۳۸/۲۱).

۳. «فقام اليه رجل فقال يا رسول الله فمن نزوج فقال الأكفاء فقال يا رسول الله ومن الأكفاء فقال المؤمنون بعضهم أكفاء بعضهم أكفاء بعض» (کلینی، ۱۴۰۷، ۳۳۷/۵).

۴. الصَّدُوقُ فِي الْمُقْنَعِ، «وَلَا تَزَوِّجِ الْيَهُودِيَّةَ وَالنَّصْرَانِيَّةَ عَلَى حُرَّةٍ مُتَّعَةٍ وَغَيْرَهَا» (نوری، ۱۴۰۸، ۱۴، ۴۶۰).

نقد و اشکال روایات:

اولاً، در روایت اول کلمه (احب) دلالت بر منع ندارد و بلکه حالت استحباب را می‌رساند پس نمی‌توان گفت که حدیث مذکور دلالت بر منع نکاح موقت با اهل کتاب

دارد. همچنین این روایت حسن تفلیسی در سند آن واقع شده است که شخص مجهولی است و احتمال صدق حدیث او بسیار نادر است (ترابی، ۱۴۳۹، ۱۲۵).

ثانیاً، روایت سوم استنادی مخالفین در مورد اکفان است که به طور مطلق وارد شده است که شامل ایمان، نسب، شرف و... نیز می شود که به طور صریح دلالت بر حرمت نکاح موقت با اهل کتاب و غیره را ندارد.

ثالثاً، روایات استنادی مذکور جز روایت دوم، صراحت بر عدم جواز متعه با اهل کتاب را ندارند. همچنین شاید به توان ادعا کرد که دلالت بر موضوع نکاح با زنان بیگانه را ندارند.

رابعاً، احادیث دوم و چهارم در کتب و سائل و مستدرک به یک مضمون بیان گردیده و اختلافی میان آن دو مشاهده نمی شود.

خامساً، روایات استنادی در اقل است و توان معارضه با روایات استنادی موافقین و قائلین به تفصیل را ندارند و همچنین اصحاب، خصوصاً متأخرین نیز به آنها عمل ننموده اند. لذا شاید بتوان گفت روایات مذکور متروک است.

بند سوم: قائلین به تفصیل

مشهور فقهای امامیه بر این باورند که نکاح متعه با اهل کتاب مانند یهود و نصاری جایز است ولی متعه با سائر اصناف کفر مانند وثیبه، خورشید پرست، ستاره پرست و... جایز نیست (حلبی، ۱۴۰۳، ۲۹۹، کرکی، ۱۴۱۴، ۱۲/۱۳، بحرانی، ۱۴۰۵، ۱۲۷/۲۴، خمینی، بی تا، ۲۸۵/۲) همچنین شیخ طوسی و ابن ادریس، قائل به کراهت نکاح موقت مردان مسلمان با مجوسیه می باشند (طوسی، ۱۴۰۰، ۴۵۷، حلی، ۱۳۷۵، ق، ۶۲۰/۲)

گروهی از فقهاء نکاح زنان مجوسیه را به استناد آیاتی مانند «وَلَا تَنْكِحُوا الْمُشْرِكِينَ حَتَّىٰ يُؤْمِنُوا» (بقره/۱۲۱)، و قوله تعالی «وَلَا تُمَسِّكُوا بِعَصَمِ الْكُوفَرِ» (ممتحنه/۱۰) و... به صورت موقت جایز نمی دانند (مغویه، محمد جواد، ۱۳۸۸، ۳۱۵، خمینی، سید روح الله موسوی، بی تا، ۲۸۵/۲). به نظر می رسد که این آیات مشمول حرمت نکاح دائم با زنان اهل کتاب می شود و عقد موقت را شامل نمی گردد که قبلاً در قول مخالفین گذشت.

امام‌مشهور قائلند نکاح موقت با اهل کتاب مانند یهود، نصاری و.. اشکال ندارد که در مسئله میان فقهاء در اینکه با قید اختیار و یا اضطرار باشد، اختلاف نظر است (طوسی، ۱۴۰۰، ۴۷۵). همچنین به دلائلی تمسک جسته از آیات مانند قوله تعالی «وَالْمُحْصَنَاتُ مِنَ الْمُؤْمِنَاتِ وَالْمُحْصَنَاتُ مِنَ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ مِنْ قَبْلِكُمْ» «مائده ۵» و به استناد آیه قائلند که این آیه ناسخ سائر آیات ناهیه است و ازدواج موقت با اهل کتاب استثناء شده است. و روایاتی مانند:

۱. عَنْ بِنِ عَلِيٍّ بْنِ فَضَّالٍ عَنْ بَعْضِ أَصْحَابِنَا عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ: لَا بَأْسَ أَنْ يَتَمَتَّعَ الرَّجُلُ - بِالْيَهُودِيَّةِ وَالنَّصْرَانِيَّةِ وَعِنْدَهُ حُرَّةٌ (طوسی؛ ۱۳۹۰ق، ۳/۱۴۴، حر عاملی، ۱۴۰۹، ۲۰/۵۴۰).
۲. عَنْ أَبِي بَنٍ عُثْمَانَ عَنْ زُرَّارَةَ قَالَ سَمِعْتُهُ يَقُولُ لَا بَأْسَ أَنْ يَتَزَوَّجَ الْيَهُودِيَّةَ - وَالنَّصْرَانِيَّةَ مُتَعَةً وَعِنْدَهُ أَمْرَأَةٌ (طوسی، ۱۳۹۰ق، ۳/۱۴۴، حر عاملی، ۱۴۰۹، ۲۰/۵۴۰).
۳. رواه إسماعيل بن سعد الأشعري، قال: سألته عن الرجل يتمتع من اليهودية و النصرانية، قال: «لا أرى بذلك بأساً» قلت: فالمجوسية قال: «أما المجوسية فلا» (شيخ طوسی، ۱۴۰۹، ۳/۱۴۴). بنابراین قائلین بر این عقیده اند که این روایات دلالت بر این دارند که نکاح منقطع مرد مسلمان با زنان اهل کتاب جایز است ولی با زن مجوس اشکال دارد.

به نظر می‌رسد، در این میان از راه جمع بین ادله قائلین به تفصیل می‌توان نتیجه گرفت که ادله مانعین را بر عدم جواز نکاح دائم با زنان غیر مسلمان و ادله قائلین به اباحه را بر نکاح متعه با زنان کتابیه حمل کرد، پس در نهایت قائل شویم که نکاح موقت مرد مسلمان با زن غیر مسلمان اهل کتاب، بلامانع و جایز است. اما آنچه که جالب توجه و ذکر آن خالی از لطف برای خوانندگان نیست این است که در کشور لبنان، محاکم شیعه نکاح دائم با اهل کتاب را جایز شمرده و همچنین ثبت می‌نمایند و آثار وضعی بر آن مترتب می‌دانند (مغنیه، ۱۳۸۸، ۳۱۵). در نتیجه روایات استنادی قائلین به این قول از لحاظ سندی و دلالت

وجه به نظر می‌رسد و میان اصحاب شهرت دارند. همچنین منشاء فتوی جمع کثیری از علمای امامیه بر جواز نکاح موقت با زنان اهل کتاب قرار گرفته است. اما این روایات بنا بر نظر مشهور هم کفو بودن زوجین در نکاح موقت با اهل کتاب را شرط نمی‌دانند و بر این مبنا فتوی به حلیت این نوع نکاح داده‌اند زیرا جعل و تشریع نکاح موقت از طرف شارع برای تخفیف، آسان‌گیری، تعفف و عفاف است. لذا می‌توان ادله استنادی مخالفین را بر حرمت نکاح دائم با اهل کتاب و نکاح موقت غیر اهل کتاب مانند نواصب و... حمل کرد و این ادله مشمول نکاح موقت با زنان اهل کتاب نمی‌گردد.

بند چهارم: ماحصل اقوال سه گانه

از اقوال سه گانه می‌توان نتیجه گرفت که، اولاً، آیات استنادی مخالفین، مشمول نکاح دائم است زیرا سوره مائده، آخرین سوره است که نازل گردیده است و آیه «۵» این سوره، ناسخ آیات ناهیه بر حرمت نکاح متعه است و همچنین نکاح موقت با اهل کتاب مستثنی شده است. ثانیاً، بدیهی است آیه «۱۲۱» سوره بقره با آیه «۵» مائده تخصیص خورده است، یعنی اهل کتاب مانند یهود و نصاری و... را از بین مشرکین استثنا نموده است. پس در نتیجه نکاح متعه مرد مسلمان با اهل کتاب مانند یهود و نصاری جایز است و در نزد امامیه نکاح دائم جایز نیست. ثالثاً، روایات استنادی مخالفین در اقل است و توان معارضه با روایات استنادی موافقین، خصوصاً قائلین به تفصیل را ندارند و همچنین اصحاب خصوصاً متأخرین نیز به آنها عمل و فتوی نداده‌اند. لذا در شرایط جامعه کنونی می‌توان ادعا کرد که روایات مخالفین متروک است و راهگشای مشکلات و معضلات جنسی جامعه امروزی نیست.

رابعاً، روایات استنادی قول موافقین، اکثراً و یا به طور غالب می‌توان ادعا کرد که مطلق می‌باشند و شامل نکاح دائم و موقت هر دو می‌شوند پس به صراحت دلالت بر مطلب مورد بحث ندارند. مضافاً اینکه با اشکالاتی به سبب مضمهر بودن، مرسل بودن و حمل بر تقیه بودن روبرو هستند .

خامساً، اجماع استنادی موافقین و مخالفین مورد خدشه است چون مشمول قاعده «اذا تعارضاً تساقطاً» است. پس در نتیجه قائلین به تفصیل که حکم جواز نکاح موقت با اهل کتاب را به (مشهور علمای امامیه) نسبت داده اند می توان اکتفاء و بسنده کرد. سادساً، روایات استنادی قائلین به تفصیل از لحاظ سند و دلالت در مسئله مذکور وجیه به نظر می رسند، چون میان اصحاب شهرت عملی و فتوایی دارند و منشاء فتوی جمع کثیری از علمای امامیه (حتی علمای معاصر مانند سید روح الله موسوی خمینی) بر جواز نکاح موقت با زنان اهل کتاب قرار گرفته است زیرا جعل و تشریع نکاح موقت از طرف شارع برای تخفیف، آسان گیری، تعطف و عفاف است.

بخش سوم: اقوال علمای حقوق

علمای حقوق در ارتباط ازدواج موقت مردان مسلمان با زنان غیر مسلمان اعم از کتابیه و ... از فقه پیروی کرده و صرفاً به ذکر اقوال فقهای امامیه اکتفاء نموده و از آنها در مسئله مذکور سخنی نو به میان نیآمده است (امامی، ۱۳۶۸، ۳۴۳/۴). در قوانین موضوعه از جمله ماده ۱۰۵۹ ق.م فقط به عدم جواز نکاح دائم زنان با بیگانگان بسنده کرده است و در رابطه نکاح موقت مرد مسلمان با زنان غیر مسلمان اشاره نگردیده است. زیرا در مقام بیان موانع نکاح بوده، بنابراین قهراً استنباط می گردد که از نظر قانون مدنی منعی برای این نوع ازدواج نیست. اگر مقصود چنین باشد مطابق با فقه اسلام نخواهد بود؛ زیرا بطلان نکاح مرد مسلمان با زن کافره غیر کتابیه مانند وثنیه، ستارهپرست و... از مسلمات فقه اسلامی است. همچنین قانون گذار برای ازدواج زنان ایرانی با مردان خارجی مقرراتی از لحاظ شکلی و ماهوی وضع نموده است که رعایت آنها لازم است. مواد ۱۰۵۹ و ۱۰۶۰ قانون مدنی ازدواج دائم بانوان ایرانی با اتباع خارجی را در صورتی که موانع قانونی نداشته باشند، موکول به اجازه مخصوص نموده است که دولت باید در هر نقطه مرجعی را برای دادن اجازه معین کند؛ لذا عدم رعایت مقررات توسط مرد خارجی که بدون اجازه مذکور با زن ایرانی ازدواج کند، طبق ماده ۵۱ قانون حمایت از خانواده، منجر به حبس تعزیری درجه پنج خواهد شد. اما در خصوص نکاح موقت مردان با زنان بیگانه سکوت اختیار کرده است که شاید آن را مطابق

اصل ۱۶۷ قانون اساسی و ماده ۳ قانون آیین دادرسی مدنی به منابع فقهی واگذار نموده است.

نتیجه گیری

فلسفه و اهداف تشریع نکاح موقت با دائم متفاوت بوده و شارع حکیم به مقتضای شناخت کاملی که از انسان دارد و با توجه به خلیات و ویژگی‌هایی که در نهاد بشریت تعبیه نموده است، هدف از ایجاد نکاح موقت، مبتنی بر تخفیف، آسان‌گیری و برداشتن مسئولیت‌ها و فقدان محذوریت‌های نکاح دائم دانسته است و جعل مواردی از قبیل کفالت و... با اهداف و فلسفه نکاح موقت منافات دارند، چون برداشتن این گونه تشریفات از جانب شارع مقدس دلالت بر سهولت و ترویج این نوع نکاح است. لذا در راستای اهداف شارع، با بررسی منابع فقهی می‌توان دریافت که در بحث مذکور میان علمای امامیه اختلاف نظر است و سه دیدگاه وجود دارد که عده‌ای قائل به حرمت نکاح موقت با اهل کتاب (مطلقاً)، برخی دیگر قائل به جواز (مطلقاً) و بعضی دیگر قائل به تفصیل «جواز نکاح با اهل کتاب و عدم جواز با غیر کتاب» هستند. همچنین علمای حقوق در مسئله از فقه‌های امامیه پیروی نموده و قانون مدنی در خصوص شرط کفالت زوجین در نکاح موقت سکوت را اختیار کرده است، شاید بتوان توجیه کرد که موضوع را به موجب اصل ۱۶۷ قانون اساسی و ماده ۳ قانون آیین دادرسی مدنی به منابع فقهی و فتاوی فقهاء واگذار نموده است. لذا آنچه که از یافته‌های تحقیق می‌توان در یافت، قول حق با قائلین به تفصیل است؛ زیرا دلایل استنادی آنها از شهرت روائی و فتوایی برخوردارند و به مشهور نیز نسبت داده شده است. پس در نتیجه ازدواج موقت با اهل کتاب کفالت شرط نیست و همچنین روایاتی دیگری جهت تقویت قول به عدم شرط کفالت در این نوع نکاح با مضامین «در نکاح موقت زوجه صدق نمیکند، نکاح موقت برای تعفف و عفاف است، از زنان موقت تعبیر به مستاجرات شده» وارد شده است (طباطبائی بروجردی، ۱۳۸۰ ش. ۲۶/۱۳۴).

لذا مطابق دستاوردهای نوشتار حاضر پیشنهاداتی به شرح ذیل ارائه میشود:

۱. با توجه به شرایط اجتماعی و مقتضیات زمان، در خصوص نکاح موقت با زنان بیگانه ضرورت دارد مقررات جامعی وضع گردد و ضمن شفاف سازی قوانین، خलाهای قانونی موجود در این زمینه مرتفع شود.
۲. از آنجا که افزایش آگاهی افراد، نسبت به فواید، شرایط و آثار ازدواج موقت یک ضرورت در روزگار کنونی است؛ لذا باید در این زمینه از طریق رسانه‌های عمومی، اطلاع رسانی‌های لازم و مؤثر صورت گیرد.

منابع و مآخذ

قرآن کریم

ابن ادريس، محمد بن احمد بن ادريس حلی (۱۳۷۵ق)، السرائر، قم، نشر اسلامی جامعه مدرسين.

ابن براج، قاضی عبدالعزيز (۱۴۰۶ق)، المذهب، چاپ اول، قم، دفتر انتشارات اسلامی.
ابن فهد حلی، احمد بن محمد (۱۴۰۷ق)، المذهب البارع فی شرح المختصر النافع، چاپ اول، قم، دفتر انتشارات اسلامی.

ابن قیم، جوزی (بی تا)، اعلام الموقعین، چاپ مصر.
ابن کثیر، اسماعیل (۱۴۱۵ق)، تفسیر ابن کثیر ابی الفداء، بیروت، دارالمعرفه.
ابن منظور، محمد بن مکرم (۱۴۱۴ق)، لسان العرب، چاپ سوم، بیروت، دارالاحیاء التراث العربی.

امامی، سید حسن (۱۳۶۸)، حقوق مدنی، تهران، انتشارات اسلامیة.
انصاری، مرتضی محمدامین (۱۴۱۵ق)، کتاب النکاح، چاپ اول، قم، کنگره جهانی بزرگداشت شیخ اعظم انصاری.
بحرانی، یوسف بن احمد (۱۴۰۵ق)، الحقائق الناضرة فی أحكام العترة الطاهرة، چاپ اول، قم، دفتر انتشارات اسلامی.

بیگللی، محرمعلی (۱۳۸۹ش)، ازدواج موقت، چاپ سوم، تهران، انتشارات فردوسی.
حلبی، ابوالصلاح، تقی الدین بن نجم الدین (۱۴۰۳ق)، الکافی فی الفقه، در یک جلد، چاپ اول، اصفهان، کتابخانه عمومی امام امیر المؤمنین علیه السلام.
ترابی، علی اکبر (۱۴۳۹ق)، الموسوعة الرجالية المیسره، تحت اشراف جعفر سبحانی، چاپ سوم، قم، موسسه امام صادق.

جوهری، اسماعیل بن حماد (۱۴۱۰ق)، الصحاح تاج اللغة و صحاح العربیة، چاپ اول، بیروت، دار العلم للملایین.

جزیری، عبدالرحمن (۱۴۱۹ق)، الفقه علی المذاهب الأربعة و مذهب أهل البيت، بیروت، دارالثقلین.

جعفری لنگرودی، محمد جعفر (۱۳۶۹)، کتاب ارث، تهران، چاپ احمدی.
حرّ عاملی، محمد بن حسن (۱۴۰۹ق)، وسائل الشیعة، قم، مؤسسه آل البيت عليهم السلام.
حسینی، محمدعلی (۱۳۹۲)، تعدد زوجات در تاریخ و ادیان، چاپ اول، قم، انتشارات حقوق امروز.

حلی، محقق، نجم الدین، جعفر بن حسن (۱۴۰۸ق)، شرائع الإسلام فی مسائل الحلال و الحرام، ۴ جلد، چاپ دوم، قم، مؤسسه اسماعیلیان.
خمینی، سیدروح الله موسوی (بیتا)، تحریر الوسیلة، ۲ جلد، چاپ اول، قم، مؤسسه مطبوعات دارالعلم.

خوانساری، سید احمد بن یوسف (۱۴۰۵ق)، جامع المدارک فی شرح مختصر النافع، چاپ دوم، قم، مؤسسه اسماعیلیان.
راغب اصفهانی، حسین بن محمد (۱۴۱۲ق)، مفردات فی غریب القرآن، بیروت، دارالعلم الدار الشامیه.

روحانی، سیدصادق حسینی (۱۴۱۲ق)، فقه الصادق علیها السلام، چاپ اول، قم، دارالکتاب-مدرسه امام صادق.

زبیدی، مرتضی (۱۴۱۴ق)، تاج العروس من جواهر القاموس، چاپ اول، بیروت، دارالفکر.
دیلمی، سلار، حمزه بن عبد العزیز (۱۴۰۴ق)، المراسم العلویة و الأحکام النبویة، در یک جلد، چاپ اول، قم، منشورات الحرمین.

سبحانی، جعفر (بیتا)، نظام النکاح فی الشریعة الإسلامیة الغراء، دو جلد، بی جا.
سبحانی، جعفر (۱۴۱۴ق)، نظام الطلاق فی الشریعة الإسلامیة الغراء، چاپ اول، قم، مؤسسه امام صادق.

سبزواری، محمدباقر بن محمد مؤمن (۱۴۲۳ق)، کفایة الأحکام، چاپ اول، قم، دفتر انتشارات اسلامی.

سعدی، ابوجیب (۱۴۰۸ق)، القاموس الفقہی لغۃ و اصطلاحا، چاپ دوم، دمشق، دارالفکر.

سیاح، احمد (۱۳۵۴)، فرهنگ لغت جامع عربی و فارسی، چاپ دهم، تهران، نشر کتاب. شهابی، محمود بن عبدالسلام (۱۴۱۷ق)، ادوار فقه، چاپ پنجم، تهران، سازمان چاپ و انتشارات.

شهیداول، محمد بن جمال الدین (۱۴۱۱ق)، اللمعه الدمشقیه، قم، دارالفکر. شهید ثانی، زین الدین بن علی (۱۴۱۰ق)، الروضۃ البهیۃ فی شرح اللمعه الدمشقیه، چاپ اول، قم، کتابفروشی داوری. صادقی اردستانی، احمد (۱۳۵۰)، اسلام و مسائل زناشویی و جنسی، تهران، موسسه مطبوعاتی خزر.

صفایی، سیدحسن، امامی، اسدالله (۱۳۸۵)، مختصر حقوق خانواده، چاپ اول، تهران، انتشارات دانشگاه تهران.

صدوق، محمد بن علی بن بابویه (۱۴۱۵)، المقنع (للشیخ الصدوق)، در یک جلد، چاپ اول، قم، مؤسسه امام هادی علیه السلام.

طباطبایی حکیم، سیدمحسن (بی تا)، مستمسک عروه الوثقی، بیروت، احیاء دارالتراث. طباطبایی، سید محمد حسین (۱۴۱۷ق)، المیزان فی تفسیر القرآن، چاپ پنجم، قم، جامعه مدرسین.

طبرسی، فضل بن حسن (۱۳۷۲ش)، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، چاپ سوم، تهران، ناصر خسرو.

طریحی، فخرالدین (۱۴۱۶ق)، مجمع البحرین، چاپ سوم، تهران، کتاب فروشی مرتضوی.

طوسی، ابو جعفر، محمد بن حسن (۱۴۰۰ق)، النهایۃ فی مجرد الفقه و الفتاوی، در یک جلد، چاپ دوم، بیروت، دار الکتاب العربی.

طوسی، محمد بن حسن (۱۴۰۷ق)، تهذیب الأحکام، چاپ چهارم، تهران، دارالکتب الإسلامية.

طوسی، ابو جعفر (۱۴۰۷)، الخلاف، چاپ اول، قم، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.

طوسی، محمد بن الحسن (۱۳۹۰ق)، الاستبصار فیما اختلف من الأخبار، بی جا.

طوسی، محمد بن علی بن حمزه (۱۴۰۸ق)، الوسيلة إلى نيل الفضيلة، در یک جلد، قم، انتشارات کتابخانه آیه الله مرعشی نجفی.

علامه حلی، حسن بن یوسف (بی تا)، تحریر الأحکام (ط - القدیمة)، چاپ اول، مشهد، مؤسسه آل البيت.

حائری، سید علی بن محمد طباطبایی (۱۴۱۸)، ریاض المسائل (ط - الحديثة)، ۱۶ جلد، قم، مؤسسه آل البيت عليهم السلام.

حلی، علامه، حسن بن یوسف بن مطهر اسدی (۱۴۱۳ق)، مختلف الشیعة فی أحكام الشریعة، ۹ جلد، چاپ اول، قم، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.

فاضل آبی، حسن بن ابی طالب (۱۴۱۷ق)، کشف الرموز فی شرح مختصر النافع، چاپ سوم، قم، دفتر انتشارات اسلامی.

فراهیدی، خلیل بن احمد (۱۴۱۰ق)، کتاب العین، چاپ دوم، قم، نشر هجرت.

قرشی، سید علی اکبر (۱۴۱۲ق)، قاموس قرآن، چاپ ششم، تهران، دارالکتب الإسلامية.

کاشف الغطاء، احمد بن علی (۱۴۲۳ق)، سفینه النجاة و مشکاة الهدی، چاپ اول، نجف، مؤسسه کاشف الغطاء.

کاشف الغطاء، حسن بن جعفر (۱۴۲۲ق)، أنوار الفقاهة، چاپ اول، نجف، مؤسسه کاشف الغطاء.

محقق کرکی، علی بن الحسین (۱۴۱۵ق)، جامع المقاصد، قم، ناشر ستاره.

محقق داماد، سید مصطفی (۱۳۶۸)، بررسی فقهی حقوق خانواده، چاپ سوم، تهران، نشر علوم اسلامی.

محمود، عبدالرحمان (۱۴۲۰ق)، معجم المصطلحات والألفاظ الفقهية، ۳ جلد، بیجا.

مشکینی، میرزاعلی (۱۴۱۸ق)، مصطلحات الفقه، جلد اول، بیجا.

مغنیه، محمدجواد (۱۴۲۱ق)، فقه الإمام الصادق علیه السلام، چاپ دوم، قم، مؤسسه انصاریان.

مفید، محمد بن محمد (۱۴۱۳ق)، أحكام النساء، چاپ اول، قم، کنگره جهانی هزاره شیخ مفید.

مفید، محمد بن نعمان (۱۴۱۳ق)، المقنعة (للشیخ المفید)، در یک جلد، چاپ اول، قم، کنگره جهانی هزاره شیخ مفید - رحمه الله علیه.

مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۸۶)، تفسیر نمونه، چاپ هفتم، قم، اسلامیه.

مکارم شیرازی، ناصر (۱۴۲۴ق)، کتاب النکاح، قم، انتشارات مدرسه امام علی بن ابی طالب.

نجفی، محمدحسن (۱۴۱۴ق)، جواهرالکلام فی شرح شرایع الاسلام، بیروت، داراحیاء التراث العربی.

نوری، میرزااحسین (۱۴۰۸ق)، مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، چاپ اول، بیروت، مؤسسه آل البيت.

هاشمی شاهرودی، سید محمود (۱۴۲۶ق)، فرهنگ فقه مطابق مذهب اهل بیت، قم، مؤسسه دائرةالمعارف فقه.